

نام «جواهر لعل نهرو» با کتاب «نگاهی به تاریخ جهان» در ایران پیوند خورده است بویژه اینکه رهبر انقلاب نیز به این کتاب عنایت ویژه‌ای داشته‌اند و آن را برای مطالعه توصیه کرده‌اند.

جواهر لعل نهرو نخستین نخست‌وزیر هند پس از استقلال آن در ۱۵ اوت ۱۹۴۶ تا۳۱ مرداد ۱۳۲۶ است. پیش از آنکه نهرو به این پست انتخاب شود نزدیک به ۱۰ سال از عمرش را ـ البته به گونه‌ای نامنظم ـ در زندان‌های استعماری سلطنت بریتانیا گذرانده به دنبال کتبی بودیم تا یاد این آزادبخوا و سیاستمدار بزرگ را گرامی بداریم. از همین رو برخی از صفحات کتاب «نگاهی به تاریخ جهان» وی را تروق کردیم. توفقی که در آن خواندن ستوری درباره ایران آن هم با جزئیات بسیار از زبان یک سیاستمدار شرقی برای هر ایرانی دلچسب است. آن هم سیاستمداری که سال‌ها برای آزادی کشورهای جهان سوم مبارزه کرده و با دیده سپاس به همسایه تاریخی خود می‌نگریست و از این فرهنگ نیز بی‌نصیب نماند.

■ **جامه عمل پوشانیدن به سلطه‌گریزی ملل جهان سوم**

به گزارش ایبنا، نهرو طی سال‌های دهه ۱۹۳۰ به اتهام فعالیت‌های سیاسی و مخالفت با تسلط بریتانیا بر هندوستان و دولت «کرارا» به زندان افتاد. وی همچنین در طول جنگ دوم جهانی به دلیل مخالفت با همکاری و کمک هندوستان در جنگ انگلستان علیه قوای محور و به این بهانه که هندوستان پلافاصله بعد از جنگ باید به استقلال خود دست یابد، به زندان افتاد. اصطلاح «عدم‌تعهد» اولین بار در یک سخنرانی وی، در کلمبو، در آوریل سال ۱۹۵۴ مطرح شد. در واقع نهرو، پس از کامیابی‌هایش در زدودن استعمار از شبه‌قاره هند و لغو نظام کاست در این کشور، به تلاش برای مبارزه با آثار و بقایای سیاسی و اقتصادی نظام سلطه در عرصه جهانی پرداخت. به این ترتیب نام نهرو همواره یادآور تلاش‌هایی است که به خواسته سلطه‌گریزی ملل جهان سوم و در حال توسعه جامه عمل پوشانده است.

این سیاستمدار و آزادبخوا زمانی که در زندان استعمارگران هند به سر می‌برد، شروع به نوشتن نامه‌های به دخترش ایندیرا گاندی کرد. این نامه‌نگاری میان پدر و دختر موجب نگارش کتاب سه جلدی «نگاهی به تاریخ جهان» شد. ایندیرا، خود درباره کتاب «نامه‌های پدری به دخترش» می‌گوید: «این واقعیت است که پدرم با وجود تمام اشتغالات و گرفتاری‌هایش فرصت می‌یافت ذهن مسرا که تازه به راه می‌افتاد نیز راهنمایی کند موجب شادمانی فراوان من می‌شد و من به نبرو می‌بخشید تا تنهایی و جدایی و دوری از او را که در وضع زندگی آن زمان ما گریزناپذیر بود، تحمل کنم.» در قسمتی از کتاب «نامه‌های پدری به دخترش» «نهرو درباره مطالعه رنج‌هایی که در طول تاریخ بر انسان‌ها گذشته، آورده است: «لابد از نامه‌های من کاملاً خسته شده‌ای فکر می‌کنم تا اندازه‌ای هم حق داری و بسیار موجب آشنون دیگری تا مدتی چیز تازه‌ای برایت نخواهم نوشت، فقط می‌خواهم درباره آنچه تاکنون نوشته‌ام و کاری که کرده‌ایم کمی فکر کنی… تو اکنون ۱۰ سال داری و چقدر بزرگ شده‌ای! تو حالا بد دخترخانم جوان هستی، این طور نیست؟ بلکه یک دختر جوان! در نظر تو یکصد سال چندت بسیار درازی جلوسه می‌داندند مذاهب و تمدن‌های مختلف رونق است و از وقت یک میلیون سال که هزار هزار سال می‌شود چقدر خواهد شدا گمان می‌کنم نمی‌توانیم معنای واقعی این رقم را به‌درستی با مغز کوچک خودمان درک کنیم… ما تصور می‌کنیم موجودات بسیار مهمی هستیم اما اغلب، چیزهای بسیار کوچکی ما را از جا به در می‌برند و نازاحت می‌سازند. اما این وقایع کوچک در برابر تاریخ عظیم و طولانی دنیا چه ارزشی دارد؟ چقدر مفید است که مطالبی درباره این دوران‌های ممتد تاریخ گذشته بخوانیم و بیاموزیم زیرا در این صورت دیگر برای چیزهای کوچک و عادی، نازحت نخواهیم شد.»

■ **مداومت و استقامت هنر ایرانی در تاروپود خاک و طبیعت**

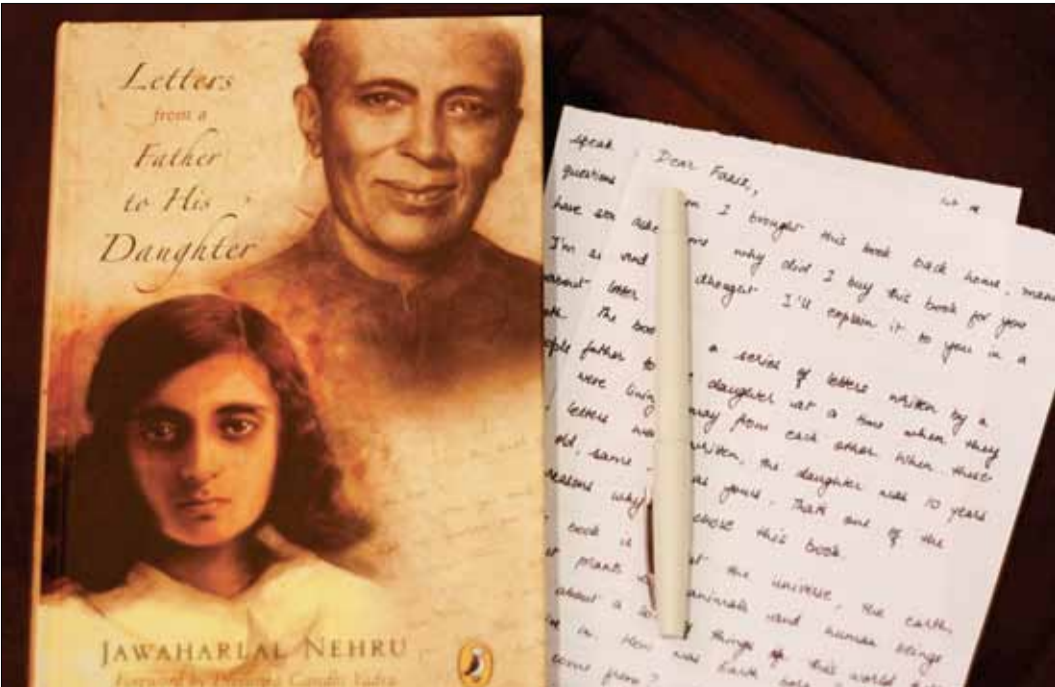


نامه تاریخی جواهر لعل‌نهرو به دخترش، ایندیرا گاندی درباره فرهنگ و تمدن و هنر ایران

حیات تازه اسلام در ایران

نخست‌وزیر هند در بخشی از کتاب «نگاهی به تاریخ جهان» به معرفی ایران می‌پردازد و درباره نفوذ هنر ایرانی در هند می‌نویسد: «کنون، به ایران، به سرزمینی که گفته می‌شود روحش به هند آمده و در بنای تاج‌محل کالبد و جسم متناسبی برای خود یافته است، برویم. هنر ایرانی سنن درخشان و نمایانی دارد. این سنن‌ها در مدت بیش از ۲۰۰۰ سال بعد از زمان آشوری‌ها تاکنون ادامه یافته است. در ایران در حکومت‌ها، در سلسله‌های پادشاهان و در مذهب تغییراتی روی داده است. سرزمین این کشور زیر تسلط حکمرانان و پادشاهان خودی و بیگانه قرار گرفته، اسلام به آن کشور رها یافته و بسیاری چیزها را منقلب ساخته است. معیذا سنن هنری ایران همچنان مداومت داشته است. بدیهی است هنر ایران طی قرون تغییر و تکامل هم یافته است. گفته می‌شود این مداومت و استقامت هنر ایرانی با خاک و طبیعت و مناظر ایران بستگی دارد.» نهرو در توصیف تاریخ باستان و ویژگی‌های این عصر از تاریخ ایران آورده است: «گورش و داریوش و خشایارشا، اسامی بعضی از این «پادشاهان بزرگ» است. سلسله این پادشاهان «هخامنشیان» نامیده می‌شود. این سلسله مدت ۲۲۰ سال حکومت کرد تا اینکه «اسکندر مقدونی» به آسیا آمد و به حکومت آنها پایان داد. ظاهراً حکومت ایرانیان پس از دوران ظالمانه آشوری‌ها و بابلی‌ها، در رفاه و آسایش بسیار بزرگی بوده است. آنها اربابان و حکمرانان متمدن و بافرهنگی بودند که نسبت به معتقدات دیگران به مدارا رفتار می‌کردند و اجازه می‌دادند مذاهب و تمدن‌های مختلف رونق و رواج داشته باشند. امپراتوری عظیم ایشان، سازمان منظمی داشت و مخصوصاً به ساختن راه‌های شوسه عالی توجه داشتند که قسمت‌های مختلف کشور را به یکدیگر مربوط و کار از تباطر از آسان می‌ساخت.»

نویسنده کتاب «نگاهی به تاریخ جهان» نحوه ورود اسلام به ایران و تطبیق مردم این سرزمین با آن را به زیبایی توصیف می‌کند به طوری که در این باره می‌خواینم: «قرن سوم میلادی یک نوع احیا و رنسانس در ایران صورت گرفت و سلسله تازه‌ای به قدرت رسید. این سلسله تازه خاندان ساسانیان بود که یک ناسیونالیسم شدید و متجاوز داشت و مدعی بود جانشین پادشاهان هخامنشی است. ساسانیان در اواخر دوران سلطنت متمدشان ضعیف شدند و ایران دچار



نامه تاریخی جواهر لعل‌نهرو به دخترش، ایندیرا گاندی درباره فرهنگ و تمدن و هنر ایران

حیات تازه اسلام در ایران

وضع بدی شده بود. پس از جنگ‌های دراز با امپراتوری بیزانس، این هر دو کشور خسته و فرسوده شده بودند و برای ارتش‌های عرب که از حدت و حرارت یک اعتقاد و ایمان تازه سرشراز بودند، هیچ اشکالی نداشت که ایران را مستخر سازند. ایران نیز به همین قرار مسخر اعراب گردید اما عرب‌ها نتوانستند مردم ایران را به خود شبیه سازند و مانند سوریه یا مصر در خود تحلیل برند. به این جهت نژادها از هم ماندند و زبان ایران هم، همچنان محفوظ ماند.»

■ **حیات تازه اسلام در فعالیت‌های هنری ایران**

نهرو با اشاره به تاثیر اسلام بر فرهنگ ایرانیان می‌نویسد: «اسلام به سرعت در ایران انتشار یافت و جای مذهب زردشتی را گرفت و آیین زردشت عاقبت مجبور گشت به هند پناهنده شود. اما ایرانی‌ها حتی در اسلام راه مخصوصی برای خود در پیش گرفتند. در اسلام شکافی به وجود آمد و ۲ فرقه مجزا از یکدیگر یعنی شیعی و سنی، پیدا شدند. در ایران اکثریت عظیم مردم شیعی شدند و هنوز هم هستند در حالی که دنیای اسلام در سایر جاها به طور کلی سنی است. اما هر چند ایران شبیه اعراب نشد و در ملیت عربی تحلیل نرفت، تمدن عرب تاثیریری فوق‌العاده بر آن داشت و اسلام در ایران هم مانند هند یک حیات تازه برای فعالیت‌های هنری ایجاد کرد.»

وصف یکی از شاهکارهای شعر حماسی ایران از زبان نهرو بسیار خواندنی است، وی در ترسیم گوشه‌هایی از کتاب حکیم فردوسی آورده است: «خیال می‌کنم. مرتب برایت از فردوسی شاعر ایرانی مطلبی بگویم که در زمان سلطان محمود غزنوی زندگی می‌کرد. فردوسی به خواهش سلطان محمود حماسه بزرگ ملی ایران را به نام «شاهنامه» به نظم درآورد. صحنه‌هایی که در این کتاب توصیف شده، همه مربوط به دوران پیش از اسلام است و قسمتی از آن شرح دلآوری‌های رستم، قهرمان بزرگ است. خود این امر نشان می‌دهد چگونه ادبیات و هنر ایران با گذشته‌های ملی و سنن باستانی قدیمی پیوند داشته است. موضوع بسیاری از نقاشی‌ها و مینیاتورهای زیبای ایران از داستان‌های شاهنامه اقتباس شده است.»

■ **فردوسی مشعل هنر و فرهنگ ایران را روشن نگه داشت**

پس از وصف شاهنامه و پیوند عمیق آن با فرهنگ

ایران را برای دخترش شرح دهد، در جملات و کلماتی که در وصف کشورمان می‌نگارد، کاملاً تاثیرپذیری از فرهنگ آن قابل لمس است. وی در توصیف یکی از شاعران مطرح قرن چهاردهم اینگونه می‌نویسد: «این تماس‌ها میان ۲ شاخه خاندان مغول‌ها که در ایران و چین بودند در هنرها تاثیر شگرفی داشت. نفوذ چین در ایسران راه یافت و جلوه‌گر شد. اما باز هم با وجود تمام شکست‌ها و ناکامی‌ها عنصر ایرانی پیروز گردید. اواسط قرن چهاردهم ایران یک شاعر بزرگ به وجود آورد و او حافظ شیرازی بود که اشعارش هنوز حتی در هند نیز بسیار رواج دارد و محبوب است. شاهرخ پسر تیمور بزرگ‌ترین جانشینان تیمور بود و در هرات که آنجا را پایتخت خود قرار داد یک کتابخانه عالی به وجود آورد و گروه کثیری از ادبا و دانشمندان را به خود جلب کرد.» نویسنده کتاب «نگاهی به تاریخ جهان» با تفسیر حضور برخی سلسله‌های مهاجم در ایران و میزان تاثیر این اقوام آورده است: «این دوران یکصد ساله حکومت تیموریان به اندازه‌ای از نظر نهضت‌های ادبی و هنری بارزش است که به نام دوران «رنسانس تیموریان» مشهور شده است. در ادبیات ایران توسعه و تکملی به وجود آمد و مقادیر زیادی تابلوهای نقاشی زیبا ساخته شد. «بهباده» نقاش، بزرگ استاد و پیشوای یک مکتب نقاشی بود. اوایل قرن شانزدهم ناسیونالیسم ایرانی پیروز گشت و تیموریان به طور قاطع از ایران رانده شدند. یک سلسله ملی به نام صفویان بر تخت نشست. دومین پادشاه همین سلسله «شاه طهماسب اول» بود که به همایون پادشاه مغول هند که در برابر شورش شیرخان، گریخته بود، پناه داد.» نگاهی به برخی جمله‌های نهرو در شرح تاریخ ایران حاکی از میزان اطلاعات عمیق این سیاستمدار است. به طوری که در توصیف حکومت صفویه می‌خواینم: «دوران حکومت صفویان مدت ۲۲۰ سال از ۱۵۰۲ تا ۱۷۲۲ ادامه یافت. این دوران «عصر طلایی هنر ایران» نامیده می‌شود. اصفهان پایتخت صفویان از ساختمان‌های باشکوه و زیبا پر بود و یکی از مراکز بزرگ هنری گردید که مخصوصاً برای نقاشی‌هایش شهرت داشت. شاه عباس که از ۱۵۸۷ تا ۱۶۲۹ سلطنت کرد ممتازترین و معروف‌ترین پادشاه این سلسله بود و یکی از بزرگ‌ترین پادشاهان ایران به شمار می‌آید.»

■ **توصیف مفصل وستایش آمیز سیاحان اروپایی از پایتخت صفویه**

پدر ایندیرا گاندی درباره هنر دوره صفویه می‌نویسد: «قشقه شهر اصفهان که به وسیله شاه عباس طرح گردید، یک «شاهکار ذوق و ظرافت کلاسیک هنری» نامیده می‌شود. ساختمان‌هایی که در آن زمان به وجود آمدند نه فقط خودشان زیبا بودند و با کمال ظرافت و مآوراءالنهر به عنوان مراکز فعالیت‌های ادبی و هنری با شهرهای ایران رقابت می‌کردند. در بخارا بود که این‌سینا مشهورترین فیلسوف در اواخر قرن نهم متولد گردید و در بلخ بود که ۲۰۰ سال بعد یکی دیگر از بزرگ‌ترین شاعران ایران، جلال‌الدین رومی به دنیا آمد. او یکی از بزرگ‌ترین عارفان بود و سلسله درویشانی را که به رقص می‌پردازند تاسیس کرد.»

■ **رواج اشعار حافظ در هند**

نخست‌وزیر هند درباره بخش دیگری از تاریخ ایران و حکومت مغولان در ایران و تاثیرپذیری آنها از فرهنگ کشورمان می‌نویسد: «لابد به خاطر می‌آوری که پس از مرگ چنگیزخان، امپراتوری پهناور او تقسیم گشت و قسمتی از آن که شامل ایران و حدود آن می‌گشت نصیب هولاکو گردید که پس از آنکه دوران ویرانی خود راه پایان رساند یک حکمران مسالمت‌جو و پامدار شد و سلسله ایلخانیان را بنیان نهاد. این ایلخانیان تا مدتی همچنان مذهب قدیمی مغولی و ستایش آسمان را برای خود حفظ کردند، اما بعدها اسلام را پذیرفتند. اما چه پیش از قبول اسلام و چه بعد از آن نسبت به مذاهب دیگر با کمال مسالمت و مدارا رفتار می‌کردند. پسرعموهای آنها در چین «خاقان کبیر» لقب داشتند و اعضای خانواده ایشان بودایی شده بودند و میان این دو خانواده روابط بسیار نزدیک برقرار بود. حتی از چین و از راه دور و دراز به خواستگاری عروس به ایران می‌آمدند» نهرو زمانی که تلاش می‌کند تاریخ ایران را منعکس می‌ساخت.»

درصد آنها باز نمی‌گردند ثبت می‌شود. یک میلیون بی‌خانمان و بیش از ۳ میلیون سالمند بالای ۶۵ سال زیر خط فقر هستند، همچنین در سال ۲۰۰۳ ۶۵ صد هزار گزارش بدرفتاری با این افراد تنها در ایالت کالیفرنیا ثبت شده است. تا پایان سال ۲۰۰۵ میلادی ۱۲ میلیون و ۵۰۰ هزار کودک و نوجوان پایین ۱۸ سال در زیر خط فقر بودند و به گزارش سازمان مبارزه با خشونت در آمریکا، هر ۱۰ ثانیه یک کودک به جهت آزار و اذیت کشته می‌شود. رتبه دوم اعدام در دنیا پس از چین و ژاپن و رتبه شصت‌وپنجم در تساوی حقوق و درآمد- چنانکه به ازای کار برابر، زنان ۶۶ درصد مردان دستمزد دریافت خواهند کرد- نیز-متعلق به این کشور است. همچنین محدودیت‌های انتخاباتی که زندانیان را فاقد رای می‌داند و طی یک سال تا ۲۰۱۰ به بهانه اسناد هویت، نزدیک به ۵ میلیون نفر از انتخابات محروم شدند.

به گزارش «فجی‌آی» ۶۵۹ میلیون مکالمه شنود شده است و وضعیت آزادی بیان را هم با مالکیت رسانه و مواجهه با قبول یا فعلی که نشان‌دهنده تردید در هولوکاست باشد، می‌توان به عینه دید؛ همه این اشارات یعنی قابل حدس است که هیلادونالد مورد بحث ما برای منوی ویژه خود، خون مظلومان زیادی از داخل و خارج قلمروی حکومتش را به شیشه کرده و آماده سرو نیز خواهد کرد!

یازخوانی، ۱۰
<div>مقایسه تطبیقی آرای فقهی و رفتار سیاسی آیت‌الله منتظری</div> <div>تضاد با خویش</div>
<div>حسن رحیم‌پور ازغدی: به هر صورت باید میان «شراف تام» (به حدی که مشروعیت و حق تصرف قوای سه‌گانه، مشروط به خواست رهبری باشد) و میان «ظفارت ایدئولوگوار» (علاجی بفرمایند.ایشان خود به تفصیل در باب حاکمیت و اشراف تام و ولایت اجرایی رهبر در راس کل حاکمیت بحث و استدلال فقهی کرده و اثبات کرده است که همه امور حکومتی در درجه وظیفه و اختیارات رهبر است و اوست که میان رؤسای ۳ قوه … تقسیم کار و تفویض اختیار می‌کند و هدایت همه آنها با اوست و با دست و چشم (دخلت و نظارت) باید مراقب عملکرد آنان باشد زیرا در برابر عمل همه آنها مسؤول است و اصولاً «ولایت» به معنی حکومت و امارت و تولی اجرایی امور حکومتی و تصرف در آنهاست.</div> <div>«فی‌تعلق علی قائد القوم وزعیمهم، الوالی و الامام و السلطان و الحاکم و الامیر به عنایات مختلفه فیهو والیحق تصرفه و امامٌ بوقوعه فیّ الامام و سلطانٌ بسلطنته و حاکمٌ بحکمه و امیرٌ بامرہ فتدبر». یعنی ولایت فقیه به معنی زمامت و امامت و جلوداری و رهبری و سلطه حکومت و فرماندهی است نه نظارت حاشیه‌ای و انفعالی! «پس ولایت تشریحی به معنی حق تصرف و فرماندهی است که در عصر فقیهت، متعلق به فقیه عادل عالم به حوادث واقعه و مسائل زمان و توانمند بر حل آنهاست.» و ولایت، همان امامت است که برای فعلیت ۳ مرحله دارد:</div> <div>مرحله اول: وجود صفات ذاتی و اکتسابی که صلاحیت رهبری را پدید می‌آورد</div> <div>مرحله دوم: پیدایش حق شرعی ولایت و نصب و جعل الهی</div> <div>مرحله سوم: فعلیت یافتن سلطه در جامعه و تحقق خارجی حکومت که در صورت اطاعت‌پذیری مردم و بیعت آنان (یا نمایندگان‌شان) پیدا می‌شود و شرط آن، تسلیم اجتماعی مردم در برابر احکام اوست و مربوط به انقیاد امت است نه صلاحیت و حق حاکمیت. به عبارت دیگر آقای منتظری «بیعت مردم» را از باب اطاعت‌پذیری، نه در مرحله ایجاد صلاحیت رهبری و نه در مرحله پیدایش حق شرعی ولایت و مشروعیت بلکه در مرحله فعلیت و تحقق خارجی حاکمیت مطرح کرده است که می‌تواند برخلاف نظریه انتخاب نیز دانسته شود. این ولایت و رهبری قلعلمختصر به عبادیات یا احکام شرعی فردی نیست زیرا ایشان مکرر و با دلایل عقلی و نقلی تأکید کرده است که دین از دنیا و فقه از سیاست و حکومت جدا نیست و ولایت فقیه همه مسائل حکومتی (اعم از قضایی، اجرایی و قانونگذاری) را دربر می‌گیرد. ایشان پس از نقل اجماع از بسیاری فقهای شیعه و سنی در باب حکومت فقیه عادل و ولایت او در امور مربوط به دین و دنیا و معاد و معاش مردم توضیح می‌داند که حتی بدون نیاز به ادله نقلی خاص، با ادله عقلی پس از پذیرش اسلام و احکام آن، به ضرورت حکومت از قباحت شرعی است. دست‌کم در ۲ نقطه از مباحث ولایت فقیه می‌گویند که بدون نیاز به بحث متکلمانه همچون مرحوم نراقی، حتی با بحث فیلسوفانه و عقلی می‌توان ولایت فقیه را اثبات کرد و: «اسلام فقط دنبال آخرت نیست و تنها به مباحث عبادی و فردی در خانه و مسجد نپرداخته بلکه به سیاست و اجتماع و اقتصاد مرتبط است. به جمیع حاجات انسان توجه دارد و آن از استعماری است. این تصور از اسلام را رسانه‌های شوم اجنبی و عمال استعمار نشر می‌دهند و وارد افکار عمومی مسلمانان و علما کرده‌اند. اسلام از دوران وضع و طفولیت و شیرخوارگی تا مرگ در باب معارف و اخلاق و تکالیف عملی حساسیت نشان داده است و راجع به علاقه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، روابط حکومت با مردم، حقوق مدنی و جزائی روابط بین‌الملل و… حکم دارد و مقررات شرعی وضع کرده است.» «فلاسلام دینِ واسع قد شرعت مقرراته علی اساس الدولة والجمومه العتقه فیهو دینٌ و دولة، و عقیده و نظام و عبادۀ و اخلاق و تشریح، و اقتصاد و سیاسه و حکم و… هذا هوالفهم الصحیح الاسلام.» بنابراین دایره اختیارات ولی فقیه روشن می‌شود چون گستره کامل که قوانین آن برای تنظیم دولت و حکومت طراحی شده، بنابراین اسلام، هم دین است و هم دولت، هم طرز رفتار است و هم نظام اجتماعی و مدیریتی و هم عبادت و اخلاق و قانونگذاری و اقتصاد و سیاست و قضاوت و… این است فهم درست از اسلام!»</div> <div>ادامه دارد</div>